

# عشق، قرقره، تخته سیاه!

گفت و گو با معلم خوزستانی که با همکارانش برای رسیدن به مدرسه از طناب و قرقره استفاده می کنند همراه با داستان ۲ معلم فداکار دیگر

محمد علی محمد پور | روزنامه نگار

## پرونده

«او مجبور است از سیم یکسل برای عبور از رودخانه استفاده کند و گرنه به جای آن باید ساعت ها مسیر برفی کوهستان را طی کند تا به روستا برسد»، این روایت خدایار زمزم از نوع رفت و آمد یکی از معلمان مناطق محروم خوزستان است که ویدئویش چند روزی است در فضای مجازی دست به دست می شود. فردی که در این ویدئو با استفاده از سیم یکسل از رودخانه عبور می کند «فرهاد اسماعیلی نژاد» معلم مقطع ابتدایی مدرسه ای در روستای «خواجه انور» است. این روستا در تقسیمات کشوری جزو شهرستان ایذه محسوب می شود و در منطقه کوهستانی قرار گرفته به طوری که نیمی از سال پوشیده از برف است. ویدئوی پربازدید در شبکه های اجتماعی را آقای زمزم خودش گرفته و البته گفته مسیری که خودم برای رسیدن به مدرسه می روم، از این هم سخت تر است. چند دقیقه ای با «خدایار زمزم» به گفت و شنود نشستیم تا بیشتر از شرایط دانش آموزان روستایی در منطقه شان بگویید. در ادامه این پرونده نیز در باره دو معلم فداکار دیگر که فداکاری شان این روزها در شبکه های اجتماعی مورد توجه قرار گرفته می خوانیم. معلمی که برای دانش آموزانش در برف تونل درست کرده و دیگری معلمی که دانش آموزان را با بغل کردن از رودخانه رد می کند. با ما باشید.



باسکن این کیوارکد می توانید این کلیپ را تماشا کنید



## تدریس عشق در دل کوهستان!

معلمی که برای رسیدن دانش آموزانش به مدرسه در دل برف تونل زد از سختی های کارش و هوش بالای دانش آموزانش گفته است

روستای «داغ کنده» در منطقه چار اویماق آذر بایجان شرقی، مدرسه ای دارد با هشت دانش آموز. «محمد صادقی» ۳۰ ساله، معلم و دوست واقعی این هشت دانش آموز و خانوارهای این روستاست. معلم جوانی از جنس دهه شصتی ها که پس از انتشار عکسی در فضای مجازی بر سر زبان ها افتاد. عکسی که نشان می داد معلمی از دل برف های سر به فلک کشیده، سعی دارد دانش آموزان قد و نیم قد خود را عبور دهد. او با فرس گفت و گویی داشته که در ادامه قسمت هایی از آن را خواهید خواند. صادقی درباره شرایط کاری و اهدافش می گوید.

## می توانستم در بهترین مدارس استان باشم

خدایار زمزم ۴۵ ساله است و به گفته خودش نزدیک به ۳۰ سال سابقه تدریس دارد. از دانشسرا دانش آموخته شده و مدرک کارشناسی ارشد تاریخ باستان است. این معلم با سابقه در بهترین مدارس ناحیه ۲ اهواز هم سابقه تدریس داشته و خودش می گوید جزو نفرت اول امتیازبندی بین معلمان استان بوده است اما عشق به آموزش و آموختن سواد به دانش آموزان محروم چیزی بوده که اجازه نداده خدایار شهر نشینی و شرایط راحت را انتخاب کند. این معلم خودش این طور توضیح می دهد: «من می توانستم با این سابقه

## ما مسافران مسیرهای سخت شده ایم

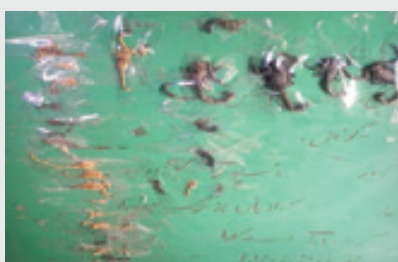


در بالا از ویدئوی معلمی گفتیم که برای رفتن به روستا و تدریس کردن باید به کمک سیم یکسل از عرض رودخانه بگذرد. خدایار که خودش فیلم را گرفته و منتشر کرده در این باره می گوید: «آن فیلم که منتشر شده مربوط به فرهاد اسماعیلی نژاد است که معلم مقطع ابتدایی مدرسه روستای خواجه انور است. این روستا در منطقه ای کوهستانی واقع شده و همکارم اسماعیلی نژاد باید ساعت ها در مسیر کوهستانی طی مسیر کند تا به روستا برسد یا باید با این شرایط عجیب از عرض رودخانه عبور کند. ما معلم های دیگر حاضر در این روستا هم هر کدام مسیر سخت خودمان را داریم. روستاهایی که بسیاری از آن ها از کمترین امکاناتی برخوردار نیستند. من نمی گویم مسئولان کاری نمی کنند اما من و همکارانم تنها با انرژی و نیرویی که عشق به آموختن به بچه هاست با هر وضعیتی کارمان را ادامه می دهیم.

## عمل به وعده ها؛ هیچ هیچ هیچ!

روستایی که زمزم در آن تدریس می کند با این که در جوار رود کارون و امکانات دیگر دولتی قرار دارد اما چیزی از محرومیت اش کم نشده به طوری که نه آب دارد، نه برق و نه حتی جاده ای برای رفت و آمد. خدایار البته برای رساندن صدای مردم محروم این منطقه از تلاشی فرو گذار نکرده و می گوید حتی در تلویزیون هم حاضر شده است. او درباره حضورش در برنامه فرمول یک می گوید: «پیرو انتشار عکسی از وضعیت مدرسه مان در فضای مجازی من تیر ماه به برنامه فرمول یک تلویزیون دعوت شدم. در فرصتی که داشتم هر چه را که توانستم از مشکلات مدارس در روستاهای خوزستان و مناطق عشایری بازگو کردم. حرف هایم در رسانه های زیادی دیده و شنیده شد. یعنی مثل توپ صدا کرد. خیلی ها به ما قول مساعد دادند و با ما صحبت کردند. آموزش و پرورش قول داد هر چه زودتر برای بچه های عشایر مدرسه بسازد. واقعا خیلی امیدوار شده بودم. برای این بچه ها و برای آینده شان اما چه بگویم که خیلی زود همه چیز فراموش شد. آدم ها یادشان رفت چه قول هایی دادند. حالا می توانم بگویم نتیجه آن رفت و آمدها و وعده دادن ها هیچ هیچ هیچ بوده است.»

## ماجرای همجواری دانش آموزان با عقرب



حدود تیر امسال بود که ماجرای انتشار عکسی از چند عقرب در کلاس درس حساسی در شبکه های اجتماعی دیده شد. منتشر کننده آن عکس هم خدایار زمزم بوده است. او درباره ماجرای آن عکس می گوید: «راستش اول این عکس را در صفحه شخصی خودم منتشر کردم و انتظار این اندازه واکنش را هم نداشتم اما هدفم نشان دادن گوشه ای از مشکلات این روستا و دیگر روستاهای همجوار بود که از امکانات اولیه زندگی نیز محروم هستند. عکس مربوط به مدرسه روستای «پنهان» بود. مدرسه روستا از چوب و سنگ ساخته شده بود. سه اتاق داشت که دو اتاق آن سقف ایرانبند و سومین اتاق هم سقف قدیمی چوبی داشت و در آن عقرب و مار پیدا می شد. آن عقرب هایی که از آن ها عکس گذاشته بودم مربوط به دو هفته از ماه اردیبهشت بودند که در مدرسه دیده شدند.»



حضور «زمزم» در برنامه «فرمول یک»

### هیچ معلمی حاضر به تدریس در این روستا نیست!

از او پرسیدم چرا پس از گذشت پنج سال باز هم معلم آن روستاها هستی که پاسخ داد: «سال گذشته، ۴۵ روز از آغاز مدارس گذشته بود که رئیس آموزش و پرورش چار اویماق با من تماس گرفت و گفت هیچ معلمی حاضر نیست به این روستا برود و من نتوانستم درباره این موضوع بی تفاوت باشم. هر چند تا سال گذشته حتی بیمه هم نبودیم و متاسفانه معوقات قرار دادن نیز از سال های گذشته باقی مانده و سر وقت حق الزحمه را پرداخت نمی کنند.»

### برف و سرما حریف من نمی شود!

محمد صادقی که برف و سرما حریفش نمی شود، خود را موظف به خدمت به دانش آموزان روستاهای محروم می داند و می گوید: «اگرگو میشم صبح روز شنبه هر هفته از آباطن به سمت مدرسه حرکت می کنم و سپس با اولین خودرو، خود را به تبریز می رانم. به علت محروم بودن منطقه محل خدمتم، هیچ وقت وسیله نقلیه ای به صورت مستقیم به این جانی نمی آید. الان هم که بارش های زمستانی شروع و برف سنگینی باریده و مسیرها کاملاً بسته است، شرایط خیلی سخت تر شده اما باید خودم را به روستا برسانم تا کلاس بچه ها تعطیل نشود. وقتی هم به مدرسه می رسم به قدری یخ می بندم که نمی توانم بلافاصله وارد کلاس شوم چرا که اول باید دست هایم را با آب سرد بشویم و در دالان بنشینم و وقتی حالم سرچایش آموارد کلاس شوم.»

### حقوقم روزی ۱۰ هزار تومان است!

با یک حساب سرانگشتی می توان گفت که آقا معلم برای روزی ۱۰ هزار تومان مسیر آباطن مرند تا داغ کنده چار اویماق را طی می کند. این در حالی است که تدریس خصوصی زبان انگلیسی برای یک ساعت ۱۰۰ هزار تومان است اما او به همه این موضوعات پشت پا زده و کودکان روستایی و تحصیل آن ها را به مادیات ترجیح داده است. او در این باره می گوید: «هیچ مسئولی حاضر نمی شود به این روستایی که من معلم آن هستم، بیاید. حتی برای ساختن مدرسه در این روستا نیز خودم آستین هایم را بالا زده ام و با هزینه شخصی و به صورت رفاقتی و همراهی برخی جوانان دلسوز اقدام به ساخت مدرسه ای کرده ایم ولی هم اکنون به علت نبود پول و امکانات نیمه تمام رها شده است.»

### تصویری از ایثار معلم فداکار

در روستای بُنگر شهرستان فنوج سیستان و بلوچستان، دانش آموزان برای رفتن به مدرسه باید از وسط یک رودخانه عبور کنند که معلم شان این گونه آن ها را از این رودخانه رد می کند. در ضمن با اسکن کیوارکد این مطلب، می توانید کلیپ منتشر شده از تلاش و فداکاری این معلم را تماشا کنید.

### به خاطر دانش آموزانم، قید بورسیه استرالیارادم

آن گونه که تعریف می کند بعد از اتمام تحصیلات دوره کارشناسی، یکی از اقوام ساکن استرالیایا بورسیه تحصیلی برای او درست کرده بود ولی به خاطر کودکان روستایی از آن بورسیه گذشته است. محمد این ها را می گوید و ادامه می دهد: «دانش آموزان من اگر بین هزار کودک دیگر هم قرار بگیرند، متوجه خاص بودن آن ها از لحاظ حرف زدن، راه رفتن، علم و آگاهی خواهید شد که تا چه میزان دارای درک، فهم و هوش هستند. من در حد توان خود سعی کردم به دانش آموزانم علاوه بر درس، ژیمناستیک، کونگفو، قرآن و زبان انگلیسی هم آموزش بدهم و حتی با حضور فرماندار وقت در روستا دانش آموزانم به چند زبان صحبت کردم و این موجب حیرت فرماندار شده بود. هم اکنون، چند نفر از دانش آموزانم حافظ جزء ۳۰ قرآن کریم نیز هستند.»



### برای جفر تونل، خودم وارد عمل شدم

وقتی از او خواستم تا ماجرای آن عکس منتشر شده در فضای مجازی را تعریف کند که اصلاً آن جاکجاست، این گونه توصیف کرد: «برفشیدیدی باریده و همه راه ها بسته بود و تا توجه به این که مدرسه بیرون از روستا قرار دارد، راه روستا مدرسه نیز بسته شده بود. از این روزا اهالی روستا خواستم تا کمک کنند حداقل این مسیر باز شود و به همین منظور ابتدا خودم وارد عمل شدم و روزی حداقل ۲ یا ۳ ساعت برای باز کردن مسیر تلاش کردم آن عکس نیز مربوط به همان روز است که در میان انبوه برف سنگین چند متری هستیم.»

